

روایت

شهریه دانشگاه و کووید۱۹



احسان یارمحمدی

● شیوع و گسترش بیماری کروناویروس ۲۰۱۹ با همان کووید-۱۹ در عرصه جهانی در مقیاس بزرگ باعث رکود گسترده شرکت‌های بزرگ و کوچک تجاری یا کم‌رنگ‌شدن نقش آنها در عرصه اقتصادی شده است (البته به غیر از شرکت‌های تولیدی محصولات ضدعفونی و شرکت‌های تولیدی محصولات مراقبتی و بهداشتی). در مقیاس کوچک بیماری کروناویروس ۲۰۱۹ صدمات و خسارت‌های شدید و شوک‌آور را به طبقه فرودست جوامع که به خرده‌فروشی، دست‌فروشی، مشاغل فصلی و... مشغول بوده‌اند، زده است. اشاره به این موارد و بحث و بررسی درباره آنها را تقریباً همه‌روژه در رسانه‌های رسمی و غیررسمی شاهد هستیم؛ اما آنچه دراین‌بین غافل مانده است، تأثیر بیماری کروناویروس ۲۰۱۹ بر توانایی پرداخت شهریه دانشگاه از سوی دانشجویان است. آرتاجاکه مطلع هستیم در ایران دانشگاه‌ها به دانشگاه‌های دولتی، پیام نور، غیرانتفاعی، علمی-کاربردی، آزاد اسلامی و... دسته‌بندی می‌شوند. تکلیف دانشجویانی که در زمره دانشجویان دانشگاه‌های دولتی نیستند و باید برای تحصیل در این شرایط دشوار شهریه پرداخت کنند، چیست؟ آرتاجاکه عده بی‌شماری از دانشجویان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌های به‌اصطلاح پولی، در ایران مشغول تحصیل هستند و دارای شغل و درآمد ثابت نیستند، چگونه در این شرایط عجیب شهریه تحصیل دانشگاهی خود را پرداخت کنند؟ دانشجویانی که شهریه دانشگاه آنها از جانب خانواده‌شان تأمین می‌شده و در این اوضاع و احوال بیماری کروناویروس ۲۰۱۹، خانواده نیز توانایی تأمین این هزینه‌های کمرشکن را ندارد، تکلیف‌شان چیست؟ بنابراین در این برهه زمانی لازم و ضروری است که دست‌اندرکاران امر در این زمینه تدابیر ویژه‌ای را اتخاذ کنند که تأمین‌کننده نیازهای مالی دانشجویان و رافع مشکلات آنان شود. از طرفی در ایسن روزها با توجه به تعطیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، موضوع آموزش مجازی از طریق سامانه‌های مجازی دانشگاه‌ها مطرح شده و تا حدودی نیز انجام شده است که این خود نیز پرسش فرعی در قیاس با سؤال اصلی را به وجود می‌آورد که پیش‌روی داریم؛ با این عنوان که آیا این نوع آموزش، دارای کارایی و اثربخشی برای دانشجویان هست یا خیر؟ اگر بخواهیم پاسخ منطقی و متقن به این پرسش دهیم، باید اذعان کنیم که هیچ‌گاه از این نوع شیوه آموزشی که درحال‌حاضر در ایران از زمینه مناسب نیز برخوردار نیست، توانایی و شایستگی پاسخ‌گویی نیازهای آموزشی را ندارد و هرگز جانشین مناسبی برای آموزش مستقیم و حضوری نخواهد بود؛ اما آرتاجاکه در بالا به این اشاره داشتیم که شرایط اقتصادی حاصل از بیماری کروناویروس ۲۰۱۹، گریبان دانشجویان دانشگاه‌های به‌اصطلاح پولی را به‌سختی گرفته است و در شرایطی که همه دانشگاه‌های به‌اصطلاح پولی شامل دانشگاه‌های غیرانتفاعی، علمی-کاربردی، آزاد اسلامی و... به پذیرش دانشجو به صورت حضوری و همچنین آموزش حضوری آنها تعهد داده‌اند و براساس این نیز از دانشجویان شهریه ثابت و شهریه به‌اصطلاح حضوری را دریافت می‌کنند، آیا در شرایط کنونی که همه دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی تعطیل شده است و آموزش از طریق سامانه‌های الکترونیکی و مجازی جایگزین شده است، باز هم دانشجو باید شهریه ثابت و شهریه متغیر در حالت حضوری و آموزش‌شی را مبتنی بر حضور در کلاس درس توسط استاد بوده است، پرداخت کند؟ روشن است که پاسخ به این پرسش هم از نظر عقلی و هم از نظر اخلاقی منفی است؛ زیرا هم عقل و منطق و هم اخلاق و تعهد، مبّین این موضوع است که زمانی که دانشگاهی متعهد به آموزش حضوری است، هرگز نباید برای نبود آموزش حضوری و تشکیل‌نشدن کلاس درس، هزینه‌ای در قالب آموزش حضوری دریافت کند و باید هزینه شهریه ثابت و متغیر را متناسب با آموزشی که ارائه می‌دهد، دریافت کند؛ بنابراین روشن است که در این شرایط، دانشگاه‌های به‌اصطلاح پولی باید متناظر با آموزش مجازی که ارائه می‌دهند، به کاهش و تقلیل شهریه ثابت و متغیر دریافتی‌شان دست بزنند. از طرفی دیگر این روزها که رسانه‌های رسمی و غیررسمی به صورت مرتب به معرفی مدیران کارخانجات و شرکت‌ها، صاحبان مجتمع‌های تجاری و مالکان مغازه‌های کسب‌وکارهای کوچک و... که حاضر شده‌اند با اتخاذ تصمیم‌های منطقی و اخلاقی دست به این اقدام خیرانه بزنند که حقوق کارکنان خود را چند ساه بیش‌پرداخت کنند یا هیچ‌گونه اجاره‌بهایی را از موجران خود نگیرند، اقدام کرده‌اند، چرا هیچ توجهی به موضوع پرداخت شهریه‌های سنگین دانشگاه‌ها از سوی دانش‌پویان نمی‌شود و این مورد به‌دسترسی تبیین و تشریح نمی‌شود؛ بنابراین توجه ارزنده و ویژه به برپایی و حفظ عدالت آموزشی در شرایط کنونی و تأکید بر اجرای این عدالت آموزشی، موجب می‌شود که دانشگاه‌های به‌اصطلاح پولی، شهریه ثابت و متغیر دریافتی از دانشجویان را متناظر با سبک و روش آموزشی که ارائه می‌دهند، تقلیل و کاهش دهند تا هیچ‌گونه حقی از قشر دانشجو تضییع نشود.

شهریه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۹ • ۲۱ شعبان ۱۴۴۱ • ۱۵ آوریل ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۹۵ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۵۶ • اذان صبح فردا ۵:۰۱ • طلوع آفتاب ۶:۰۳

روزنفرها

کارتون خواب



واسکو کارکالو



اتفاق

این «شاد»ی عادلانه نیست

سامان موحدی‌راد:اوایل تابستان سال گذشته بود که محمدجواد آذری‌جهرمی در وعده‌ای که از سوی بسیاری برجسب پوپولیستی خورده، ادعا کرد که تا پایان سال ۹۸ همه مدارس کشور را هوشمند می‌کند. شاید آن زمان خود آقای آذری جهرمی فکر نمی‌کرد این‌قدر زود اقداماتش در هوشمندسازی مدارس و دسترسی دانش‌آموزان به شبکه‌های آنلاین برای آموزش و یادگیری مورد آزمایش قرار بگیرد. اما خیلی زود شرایط غیرقابل‌تصورى که حکمرانی کرونا در دنیا به راه انداخته، موجب شد تا این وعده و مهم‌تر از آن بنیان آموزش آنلاین و از راه دور در ایران با نقدهای زیادی مواجه شود. چه آن زمانی که آذری جهرمی از هوشمندسازی همه مدارس کشور سخن می‌گفت و چه حالا که بعد از تعطیلی مدارس به دلیل کرونا همه از آموزش آنلاین در مدارس سخن می‌گویند، بی‌تصور واحد به ذهن‌ها خطور می‌کند: مدارس کپری در سیستان‌بلوچستان و جنوب کرمان که نمادی همیشگی از محرومیت در ایران هستند، تجربه نزدیک به دوماهه آموزش از راه دور در مدارس ایران البته نشان داد که این تنها بچه‌های مناطق محروم جنوب و جنوب شرق ایران نیستند که با دشواری‌هایی در مسیر آموزش مواجه هستند و دسترسی به اینترنت و زیرساخت‌های آن در موضوع آموزش آنلاین در بسیاری از مناطق ایران این روزها به چالشی برای دانش‌آموزان، خانواده‌ها و معلم‌هایشان تبدیل شده است. شرایط اجباری پیش‌آمده در آموزش دانش‌آموزان این روزها بیش از هرچیزی کلیدواژه نابرابری در آموزشی را به ذهن متبادر می‌کند. گزارش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی از سوی معلم‌ها و دانش‌آموزان وجود دارد که در مناطق کم‌برخوردار به دلیل دردسترس‌نبودن موبایل یا تبلت برای دانش‌آموزان، ناتوانی در خرید بسته‌های اینترنتی و مواردی از این‌دست معلم‌ها مجبورند به خانه شاگردان‌شان بروند و البته با رعایت فاصله اجتماعی به آنها آموزش بدهند. به تازگی هم وزارت آموزش و پرورش از اپلیکشنی رونمایی کرده که قرار است شبکه اجتماعی دانش‌آموزان باشد و در این روزها به کمک مدارس بیاید. اما



چه کسی فکرش را می‌کرد دنیا با چنین مصیبتی مواجه شود؟ ذره‌ای ناچیز، دنیای پیشرفته‌با دستاوردهای بزرگ علمی و تکنولوژیکی را غافلگیر کرد و حالا همه در سراسر دنیا مجبورند تغییرات گسترده‌ای در سبک زندگی خودشان بدهند. فرقی هم نمی‌کند که شما چه کسی باشی؛ از هر طبقه و رتبه و تباری هم که باشید، اگر شهروند مسئولی باشید و جان خود و دیگران برایتان اهمیت داشته باشد، باید این تغییرات را بپذیرید. حالا که در نزدیکی دو ماه از عالم‌گیرشدن مصیبت کرونا به آن نگاه می‌کنم، می‌بینم این مواجهه جهانی در سراسر دنیا و همچنین مواجهه ما در ایران یا آن، به ما چیزهای زیادی آموخته است. در ادامه قصد دارم برخی از این آموختنی‌ها را ذکر کنم. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در مقابله با کرونا، به در ایران و چه در سراسر دنیا، با آن مواجه شدیم، جدال میان باورهای برخی به موضوعات ماورایی یا تن‌دادن به رویه‌ها و روش‌های علمی متناسب با ماهیت این مصیبت بود. برخی در آسمان‌ها دنبال راه‌حلی برای کرونا می‌گشتند؛ اما در نهایت پذیرفتند باید در جای دیگری و با ابزار روش‌های علمی متناسب با ماهیت این مصیبت بود. به‌رحال نباید فراموش کنیم که همین پیشرفت‌های علمی نیز خودش دلیل مستحکمی بر اثبات وجود خداست و



غلامرضا حیدری
نماینده مجلس

این‌گونه نیست که برخی فکر می‌کنند اگر در جریان همه‌گیری کرونا، دیگری را به آنها تذکر می‌دهند که اصول بهداشتی را رعایت کنند، به این معناست که آنها را در برابر دنیای ادعیه و اذکار و اعتقاد به خدا قرار می‌دهند. این موضوعات در جای خود ارزشمند و شایان احترام هستند؛ اما اینجا موضوع تکیه‌کردن به روشی است که تناسب بیشتری با حل مسئله‌ای به این مهمی دارد. موضوع دومی که این روزهای کرونایی به ما یادآور شد، بحث صداقتی است که حاکمان باید با مردم داشته باشند؛ در واقع اینکه حاکمان به‌موقع مردم را در جریان اخبار قرار دهند و بتوانند مشارکت آنها را برای عبور از شرایط بحرانی جلب کنند تا قادر باشند بر اوضاع فائق شوند. درحال‌حاضر می‌بینیم که دنیا برای کرونا درمانی ندارد؛ یعنی همه در معرض ابتلا به آن قرار داریم و واکنسی برای آن تدبیر نشده است.

تنها چیزی که الان در همه‌جای دنیا به آن اشاره می‌شود، همان بحث درخانه‌ماندن و قرنطینه خانگی است که احتیاج به مشارکت و همراهی مردم دارد. به‌رحال در ایران نیاز شاهد بودیم که در ابتدای شیوع کرونا، هم در بحث قرنطینه‌کردن مبدأ این بیماری و هم در اطلاع‌رسانی اولیه، کمی تعلل صورت گرفت. اگر از همان ابتدا تمهیدات لازم برای این کار اندیشیده می‌شد، بیماری تا این حد گسترده نمی‌شد و کشور دچار این همه خسارت و التهاب نمی‌شد. بنابراین برخورد صادقانه حکومت با مردم، همیشه مهم بوده و هست و اینجا اهمیت آن بیشتر از پیش هویدا شده است. یک نکته دیگر هم در این میان سطح اصطکاکى است که

گزارش

تغییر در کلیشه‌های زندگی روستایی

جمعیت، نه‌تنها اجازه توزیع لوازم پیشگیری وجود ندارد، بلکه حتی مسئولان خانه‌های بهداشت روستایی نیز مجبور به اجرای دستورالعمل شده‌اند. آنها دیگر اجاره‌ای برای توزیع وسایل پیشگیری ندارند. نمی‌توانند بگویند که چگونه این‌اندازه بارداری هم سلامت مادران و کودکان را به خطر می‌اندازد و آنها را فرسوده و فروت می‌کند. همه اینها یعنی فرهنگ‌سازی، وقتی از یک خانواده روستایی سؤال می‌شود که با این همه سختی، این همه بچه برای چه می‌خواهید؟ رایج‌ترین و بدیهی‌ترین پاسخی که می‌شنوید این است: «الله داده» و در خوش‌بینانه‌ترین حالت درست اینجا و در همین نقطه است که فرهنگ‌سازی آغاز می‌شود. اگر به روستایان آموزش داده می‌شد، چنین پاسخی هرگز از آنها شنیده نمی‌شد. از سوی دیگر، نقش مراجع و مولوی‌ها و معتمدان محلی را نمی‌توان نادیده گرفت. در کشورهای پیشرفته یا رو به توسعه، روستاها به همان اندازه شهرنشینان، از امکانات لازم رفاهی، فرهنگی و آموزشی برخوردارند و هرگز شکاف آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، آن‌چنان که میان شهرها و روستاها به حاکم است، وجود ندارد. وقتی به روستایان ما تقریباً هیچ آموزشی داده نشده، چگونه می‌توان از آنان توقع داشت که روش زندگی‌شان شکل دیگری از آنچه هست، باشد؟ از سوی سیاست‌گذاران و برنامه‌نویسان، برای کمک و ارتقای زندگی و بهبود سطح دانی، تقویت روحیه مطالبه‌گرى و آگاهی روستایان، تلاش‌ها و کارهایی انجام گرفته است؟ آیا این فقر اقتصادی که همراه با فقر فرهنگی روستایان را زمین‌گیر کرده است، نتیجه بی‌توجهی به وضعیت روستایان نیست؟ سهم روستایانی که خشک‌سالی و برنامه‌های غلط در زمینه‌های کلان کشاورزی، باغداری، دامداری و دیگر جُرف‌زاین‌رفته مختص روستایی، آنها را فلج و زمین‌گیر کرده است، از امکانات آموزشی، رفاهی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی و ده‌ها مورد دیگر، چیست؟ چطور و با کدام منطق می‌شود از این روستایان تقاضای برداشت همه‌چیز داشت.

پرنده آبی

چیزی که شما را از جایی به جایی دیگر ببرد می‌تواند نقش اتومبیل را بازی کند، به همین دلیل ما از یک چرخ‌دستی استفاده می‌کنیم. این کار آنها با استقلال بازیگران هالیوودی هم روبه‌رو شده است؛ مثلاً ویل اسمیت، بازیگر آمریکایی، با ۴۳ میلیون دنبال‌کننده، کلیپ آنها از نسخه تریلر می‌گیرند. سانی می‌گوید: ما قصد داریم مردم دریابند که محدودیتی در خلایق وجود ندارد. در واقعیت شما اتومبیل گران‌قیمت ندارید، اما می‌توانید از چیزی استفاده کنید که به نظر یک ماشین برسد. هر سانی اعتراف می‌کند که درآمد از طریق تولیدات آنها «سان» نیست.

درحالی‌که هم ۵۰۰ هزار دنبال‌کننده اینستاگرام آنها راضی هستند و هم والدین پسران از سرگرمی غیرمعمول آنها حمایت می‌کنند، اما هنوز خلق پول و گرفتن آکهی رخ نداده است. پسران در این گفت‌وگو بارها تأکید کردند که حمایت والدین آنها را گام‌به‌گام همراهی کرده است.



در گذشته، زندگی کشاورزان بر تعدد فرزند و اولادآوری پایدار بوده است و خانواده‌های پرجمعیت روستایی، بنیه قدرتمندتری برای مدیریت زمین‌های خود و کاشت و برداشت محصول بیشتر که اغلب حاصل کار بدی بود، داشته‌اند. اما اکنون، باوجود تغییر شرایط اقلیمی و اجتماعی، هیچ تغییری در ساختار زندگی روستایان و بهینه‌کردن زیست آنها ایجاد نشده است. سالیان دراز خشک‌سالی در استان‌هایی مانند کرمان و سیستان‌بلوچستان، بخش بزرگی از کشاورزی و دامداری را نابود کرده و بسیاری از کشاورزان و دامداران را با وادار به مهاجرت به شهرها و به‌نوعی حاشیه‌نشینی کرده یا ماندگان در روستا را به ده‌نشینانی منفعل و پارانہ‌بگیر تبدیل کرده است. معیشت دشوار این ده گروه عظیم روستایی، سبب تغییر در شیوه زندگی آنها به‌لحاظ فرزندآوری نشده است.

در جنوب و شرق استان کرمان، در هرمزگان، در خراسان و در سیستان‌بلوچستان می‌توان انبوهی کودک دید که با پای برهنه و لباس‌هایی پاره و بسیار مندرس، در تهیدست‌ترین شکل ممکن زندگی می‌کنند. آنها والدین فردا هستند. می‌توان در این مناطق زنان و مردانی را دید که لباس‌هایشان از فرط وصاله، دیگر جایی ندارد. پیرمردانی که هرگز در تمام عمر پولی برای خرید کفش نداشته و هنوز پاپوش‌هایی از برگ‌های درخت خرما می‌پوشند، می‌شود کسانی را دید که پیر شده‌اند و لباس مندرس‌شان همان است که بود. اما همین مردمانی که ماه تا ماه فقط و فقط چشم‌انتظار دریافت یارانه و پاداش زندگی فقیرانه خود هستند، در عقبه خود چندین بچه دارند؛ بچه‌هایی که درست مثل والدین‌شان زندگی می‌کنند، دخترانی که زود شوهر داده می‌شوند، اغلب به مردهایی که جای پدرشان است و زندگی سخت از کبری به کبری دیگر، از گرتویی به گرتویی دیگر ادامه می‌یابد. اما چرا این شرایط تغییر نمی‌کند؟ اشکال از ساختار معیوبی

چرخ‌دستی به‌جای ماشین

سی‌ان‌ان گزارشی از بچه‌های نیجریه‌ای که اکنون در جهان بسیار مشهور شده‌اند منتشر کرده است؛ سه نوجوان که ثابت کردند وقتی نوبت به خلایق می‌رسد، حتی یک قدم کوچک هم می‌تواند تأثیر بسیاری داشته باشد. موزک سانی ۱۵ ساله با برادر ۱۰ ساله‌اش مالیک و پسرعموی ۱۱ ساله‌اش با استفاده از وسایل روزمره به بازآفرینی موزیک‌وینودها و تریلرهای چندمیلیون‌دلاری هالیوود در اینستاگرام پرداختند. البته برادر بزرگ‌تر این فیلم‌ها را ویرایش می‌کند و این سه نفر را مدیریت می‌کند. آنها امیدوارند این گامی باشد برای حضورشان در صنعت سرگرمی و تفریح. باتوانند سانی (برادر ۲۳ ساله) به سی‌ان‌ان می‌گوید: «خانه ما مانند یک خانه کم‌دیی است، من فکر کردم چرا این کارهایی که ما در خانه خود انجام می‌دهیم بخش آنلاین نمی‌کنیم؟ و به‌این‌ترتیب صفحه اینستاگرام Ikorodu Bois متولد شد. از شروع کار، تشویقی که از سراسر جهان دریافت کردیم انگیزه بسیار بزرگی برای ما برای ادامه بود. ما

سلام به فردا

تأملاتی در روزهای کرونایی

در جامعه وجود دارد؛ هم حاکمیت با مردم و هم اصطکاک در روابط خارجی و بین‌المللی‌مان. نتیجه این اصطکاک فقط استهلاک منافع ملی بود که در این روزها خیلی به چشم آمد و به نظر می‌رسد باید در آن تجدید نظر کرد. در حوزه زندگی شخصی من به‌عنوان یک شهروند نیز اسمال نوزو متفاوتی را مثل بیشتر ایرانی‌ها پشت سر گذاشتم؛ نه از دیدوبازدید فرزندان و نوه‌ها خبری بود و نه از حضور بر سر مزار درگذشتگان؛ حتی سفر به شهر و روستای زادگاه‌مان را هم به وقت دیگری موکول کردیم تا همه از بند این مصیبت به سلامت عبور کنیم. تلاش کردم از این فرصت برای مطالعه و همچنین مرور گذشته استفاده کنم. چیزی‌که از این روزها به خاطرم می‌آید که می‌تواند برای جوانان خصوصاً در این روزها راهگشا باشد، این است که جوانان نباید سعی کنند خودشان را در بن‌بست قرار دهند. همیشه دنیا سخت‌گیری‌هایی دارد، ولی راهی نداریم جز اینکه پیش برویم و سعی کنیم هرچند کوچک و کم، با اصلاح امور شرایط را بهتر کنیم. به نظر من اصلاحات می‌تواند بهترین مصلحت باشد؛ اصلاحات به‌عنوان مفهومی بزرگ در برابر براندازی. ازجمله تأملات دیگری که در این روزهای کرونایی در احوالات خودمان داشتیم، این بود که تددروی نیز یک بن‌بست است و هیچ وقت نباید در دامش بپیفتیم. باید به جمهوری اسلامی و جمهوریتش در همان حدی که در قانون اساسی وجود دارد، پایبند باشیم. اینها از چیزهایی بود که در این روزهای حصر خانوادگی به آنها فکر کردم و از آنها آموختم.